قیمت ۲۰۰۰ تومان/شماره ۲۶
toseeirani.ir
یک‌شنبه ۷ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۵ ذی‌القعده ۱۴۳۹ / ۲۹ جولای ۲۰۱۸

توسعه ایرانی

روزنامه صبح
سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

PDF Compressor Free Version



رییس جمهور آمریکا بار دیگر همکاری انتخاباتی با روسیه را تکذیب کرد

ترامپ درگیر تکذیب «اخبار دروغ»

جهان ۴



محسن چاوشی و برد خبری هشدار برانگیز او برای دفتر موسیقی

بگذارید عملکرد به‌جای شایعه حرف بزند

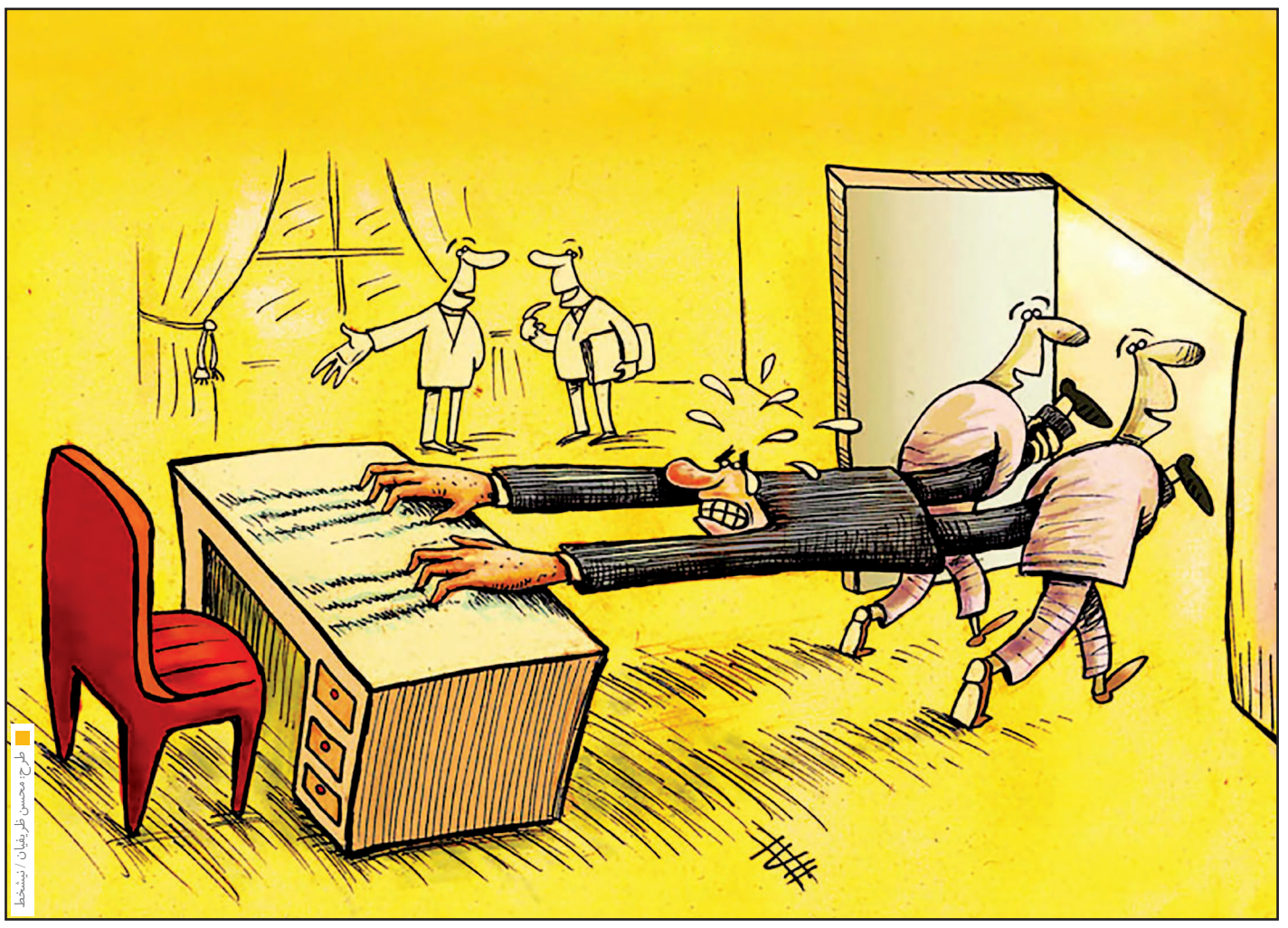
چهارگاه ۹

نگرانی از مصوبه «عدم‌به‌کارگیری بازنشستگان»

قانون بقای میز

با گذشتن چهل سال از عمر انقلاب و پیدایش قانون نانوشته «بقای میز» که منجر می‌شد مدیران تا پای جان از چرخه مدیریت کشور حذف نشوند بلکه از صندلی‌ای به صندلی دیگر جلوس کنند، مجلس تصمیم گرفت قانونی را تصویب کند تا شاید به واسطه آن یکی دو صندلی خالی هم برای جوان‌ها پیدا شود. از این رو قانون «منع به کارگیری بازنشستگان» را تصویب کرد اما طیف وسیعی از مشاغل مدیریتی از استانداران و وزرا و سفرا گرفته تا نیروهای مسلح و وزارت اطلاعات را از آن مستثنی کرد. موج انتقادها به راه افتاد و مجلس را وادار به اصلاح مصوبه خود کرد. به دنبال آن ابتدای مرداد مصوبه مذکور اصلاح و بخشی از آن استثنائات حذف و برخی دیگر باقی ماندند. به زبان ساده بر اساس مصوبه جدید مجلس، افراد عادی نمی‌توانند بعد ...

سیاست ۲



طرح: محسن ظریفیان / نیشخط

وزیر صمت دستور رسیدگی به تخلفات احتمالی بهمن خودرو را صادر کرد

کلاف سردرگم خودرو و ارز دولتی

چرتکه ۳

استقلال برای اولین بار در تاریخ لیگ برتر نه گلی زد و نه گلی خورد

اولین بدون گل تاریخ

آدرنالین ۱۱

توسعه ایرانی بررسی کرد

قصه کارگران شهرداری‌ها پرغصه است

این روزها کارگران شهرداری‌های کشور در صدر اخبار هستند: «هشت ماه است که حقوق نگرفته‌ام؛ چرا کسی نیست که به داد ما برسد.» صدای اعتراضِ کارگران شهرداری‌ها در همه جای کشور شنیده می‌شود از استان البرز بگیرید تا کرمان و...

دسترنج ۷

سرمقاله

کاملا قابل پیش‌بینی

این روزها جنگ لفظی میان مقامات جمهوری اسلامی ایران و هیات حاکمه آمریکا بالا گرفته، این تنش لفظی بازتابهای فراوانی در جهان داشته است. برای بسیاری از مردم و آگاهان سیاسی به یقین این سوال پیش می‌آید که آخر و عاقبت این تنش‌های لفظی به کجا ختم می‌شود. پاسخ به این سوال بدون در نظر گرفتن یک سوال دیگر ممکن است مخاطب را گمراه کند و آن سوال این است: اصولا دونالد ترامپ چگونه می‌اندیشد و چگونه تصمیم می‌گیرد؟

درگیری‌های لفظی دونالد ترامپ با بسیاری از چهره‌ها و رهبران سیاسی جهان امر بی‌سابقه‌ای نیست. دونالد ترامپ از زمانی که به قدرت رسید تاکنون با رفتار و گفتار خود آشکارا ثابت کرده است که هیچ‌درکی از مناسبات جهانی، روابط بین‌الملل و دنیای سیاست نداشته، سازمانها و نهادهای بین‌المللی برآمده از سازوکار سیاسی و روابط بین‌الملل برای وی معنا و مفهومی ندارد؛ نه به این معنا که وی این مفاهیم را درک کرده و عامدانه آنها را زیر پا می‌گذارد بلکه از اساس فلسفه وجودی و سابقه تاریخی و چرایی مناسبات، معاهده‌ها، کنوانسیون‌ها، توافقنامه‌ها و عهدنامه‌ها را نمی‌داند؛ نه به متحدان خود در اروپا اهمیتی می‌دهد، نه یاد دیرین و وفادار خود بریتانیا را در مناسبات آمریکا با سایر کشورها به حساب می‌آورد، نه به ناتو دلبستگی دارد و نه درکی از مناسبات کشورهای جی-۷ دارد، نه خروج از یونسکو برایش اهمیت دارد و نه به معاهده پاریس اهمیت می‌دهد. لذا زمانی که از منظر سیاست، حقوق و روابط بین‌الملل به وی نگریسته شود تصویر رئیس جمهوری غیرقابل پیش‌بینی با رفتارهای نامتعارف در اذهان ترسیم می‌گردد، رئیس جمهوری که غافلگیر کنندگی از صفات و ویژگی‌های بارز و لاینفک وی به حساب می‌آید. اما در این تحلیل نکته‌ای ظریف و در عین حال بسیار بنیادین مغفول مانده است؛ اینکه دونالد ترامپ از اساس هیچ‌گاه نه سیاستمدار بوده است، نه سابقه‌ای اجرایی در ساختار سیاسی آمریکا داشته است، نه تحصیلاتی در این زمینه کسب کرده است (همانند باراک اوباما)، نه تیمی دارد که از منظر سیاسی همچون اتاق فکر او را هدایت و راهنمایی کنند (همانند جرج بوش پسر) نه خانواده سیاستمداری داشته (همانند کلینتون‌ها) و اساسا تا قبل از انتخابات ریاست‌جمهوری در فضای سیاسی آمریکا دیده هم نمی‌شد. حتی در میان ثروتمندان صاحب‌نام و مگامیلیاردرهای آمریکایی نیز مهره برجسته‌ای نبود و شهرت وی پیش از انتخابات ریاست جمهوری تنها به سبب برگزاری کارناوالهای دختران شایسته، ملکه زیبایی و حضور در برنامه‌های تلویزیونی به دست آمده بود. او شهوت دیده شدن و تملق شنیدن دارد و در این مسیر تا آنجا پیش رفته بود که برنامه تلویزیونی «کارآموز» را برای شبکه ان.بی.سی تهیه کرد و برای مدت طولانی در آن برنامه حضور داشت و بخشی از شهرت خود را از همین راه به دست آورد. اما عطش وی برای دیده شدن و تبلیغ نشان تجاری ترامپ سیری‌ناپذیر بود و به همین دلیل تصمیم گرفت در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا شرکت کند آن هم نه به قصد آنکه رئیس‌جمهور آمریکا شود بلکه به دلیل آنکه نام و نشان تجاری وی در سطح گسترده‌تری در جهان دیده شود. مایکل وولف در کتاب آتش و خشم آورده است وی در بدو ورود به رقابتهای انتخاباتی برای متقاعد کردن همسر خود که از حضور وی در انتخابات به شدت خشمگین بود تنها هدف خود از حضور در انتخابات را تبلیغ برای برند تجاری ترامپ عنوان کرد و به ملانیا قول شرف داد که هیچگاه در انتخابات پیروز نخواهد شد! به همین دلیل چنانچه از دریچه سیاست به وی بنگریم وی را فردی غیرقابل پیش‌بینی می‌یابیم.

ترامپ یک دلال ملکِ نیویورکی با تمام ویژگی‌های خاص این طبقه است که تمام معادلات و قوانین و هنجارهای مناسبات جهانی و روابط بین‌الملل را به ترفندها و تکنیک‌های دلالی ملک تقلیل داده است. از این زاویه نه تنها وی غیرقابل پیش‌بینی نیست که بسیار هم رفتارهای متعارفی دارد. او دلالی «خوانش‌پریش» است و قادر نیست مطالعه کند و اصولا اهل خواندن و مطالعه کردن نیست و هیچ سخنرانی‌ای را از روی متن نمی‌خواند. اما به شدت اهل تلویزیون و توئیتر است و از روزنامه‌ها تنها به خواندن تیترهای بزرگ و اصلی صفحات بسنده می‌کند. به همین جهت است که او تمام تصمیمات و برنامه‌ها و سیاستهای ریز و درشت خود را در سیاست داخلی و خارجی از همین رسانه اعلام می‌کند. توئیتر با محدودیتی که در تعداد لغات دارد بستری برای تفکر و تعقل و استدلال کردن نیست اما برای ترامپ همین کافی است. اخراج جیمز کومی رئیس سابق اف.بی.آی، اخراج رینس پریباس رئیس ستاد کارکنان کاخ سفید، اخراج استیو بنن مشاور ارشد رئیس‌جمهور، لغو دیدار با رئیس‌جمهور مکزیک که برای ملاقات با ترامپ در راه واشنگتن بود، افشای خبر مذاکرات محرمانه با کره شمالی، لغو دیدار با کیم جونگ‌اون، اعلام دیدار مجدد با اون، همه و همه از جمله خبرهایی بوده است که وی را سا در توئیتر اعلام کرده است و این فهرست بسیار طولانی و خارج از حوصله این مقال است. مضاف بر این حضور در توئیتر سبب می‌شود او بیش از سایرین در معرض دید باشد و همین برای او کافی است تا وی مهمترین تصمیمات و برنامه‌های خود را قبل از اینکه از طریق مشاوران و روسای رسانه‌ای کاخ سفید به رسانه‌ها مخابره شود برای جهانیان اعلام کند.

با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت ترامپ در مواجهه با مسایل جهانی همانند دلالان ملک نه شبیه به اقدامات متعارف در صحنه تعاملات جهانی و بین‌المللی رفتار می‌کند. وی همواره سعی دارد با ایجاد یک تنش لفظی و بسیار شدید ذهن جامعه جهانی را به شدت نگران و مضطرب نماید و رهبران سیاسی جهان با لحاظ کردن مولفه‌های حاکم بر گفتمان سیاسی و قدرت نظامی و سیاسی و اقتصادی موجود در آمریکا و اختیاراتی که رئیس جمهور این کشور دارد به تب و تاب بیافتند و این لحظه همان لحظه‌ای است که دونالد ترامپ گمان می‌کند برای داد و گرفت امتیازات لحظه مناسبی است.

جنگ لفظی وی با رهبر کره شمالی تا آنجا پیش رفت که بسیاری از رهبران سیاسی جهان به شدت از وقوع جنگ هسته‌ای میان آمریکا، کره شمالی و متحدان آمریکا در جنوب شرقی آسیا ابراز نگرانی می‌کردند و حتی رهبران دو کشور با الفاظ رکیک و بسیار نامانوس در عالم سیاست به یکدیگر توهین کردند. اما همین که تب این تنش‌های لفظی بالا رفت وی زمان را برای مذاکره با رهبر کره شمالی مناسب دید و به ناگهان ورق برگشت و در نهایت پس از کش و قوس‌های کاملا قابل پیش‌بینی وی برای ملاقات با «اون» عازم سنگاپور شد و دستان رهبر کره شمالی را به گرمی فشرد و بلافاصله پس از این دیدار بود که مانور مشترک نظامی با کره‌جنوبی را لغو کرد تا مایه مسرت و خشنودی کیم جونگ اون شود. آنچه از دیدار به دست آمد توافقنامه‌ای چندصفحه‌ای بسیار مبهمی بود که کارشناسان سیاسی هنوز به درستی مفاد و نتایج آن را نمی‌دانند اما برای ترامپ مهمتر از این توافقنامه عکسهای یادگاری و ژستهایی بود که وی در مقابل دوربین‌ها به خود گرفت. موج انتقادات از نتایج این دیدار و امتیازاتی که رد و بدل شده بود به شدت فزونی گرفت و برژینسکی مشاور امنیت ملی جیمی کارتر با انتشار مقاله‌ای بر سیاستهای خارجی دونالد ترامپ تاخت و نوشت دونالد ترامپ در دوران ریاست‌جمهوری جز گرفتن عکس یادگاری با سران جهان به چیز دیگری نمی‌اندیشد و این تنها هدف اوست.

در نمونه‌ای دیگر به خاطر داریم که دونالد ترامپ در زمینه اقتصادی با به راه انداختن جنگ تعرفه‌ای با متحدان اروپایی از یکسو و چین از سوی دیگر نگرانی‌های بسیار زیادی آفرید و کار به جایی رسید که بریتانیا و کانادا که از نزدیکترین متحدان آمریکا هستند به همراه اتحادیه اروپا در مقابل دونالد ترامپ صف‌آرایی کردند. اما زمانی که دمای جنگ لفظی و تعرفه‌ای به اندازه کافی بالا گرفت دونالد ترامپ زمان را برای مذاکره و عقب‌نشینی از مواضع قبلی مناسب دانست. دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا در آستانه دیدار با ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپا در واشنگتن پیشنهاد داد دو طرف تمام تعرفه‌ها بر کالاهای وارداتی یکدیگر را حذف کنند.

رئیس جمهوری ایالات متحده روز سه‌شنبه ۳ مرداد در صفحه توئیتر، باز هم توئیتر! خود در این زمینه نوشت: «اتحادیه اروپا فردا دارد برای مذاکرات تجاری به واشنگتن می‌آید. من یک پیشنهاد برایشان دارم. این که اتحادیه اروپا و ایالات متحده همه تعرفه‌ها، موانع و یارانه‌ها را کلا بردارند! به این می‌گویند بازار آزاد و تجارت منصفانه! امیدوارم آنها این کار را انجام بدهند. ما که حاضریم. ولی آنها این کار را نخواهند کرد.»

آقای ترامپ در حالی این پیشنهاد را مطرح کرد که ساعاتی پیش از آن در توئیت دیگری نوشته بود تعرفه‌ها «بهترین» چیز هستند. ملاحظه می‌شود از این منظر رفتار دونالد ترامپ اگرچه در دنیای سیاست نامتعارف و حتی غیرقابل پیش‌بینی است اما در گفتمان حاکم بر فضای دلالیِ مِلک کاملا طبیعی و قابل پیش‌بینی است. حال در ارتباط با سوالی که در صدر این مقال آمد به روشنی می‌توان دریافت که دونالد ترامپ همان روش را در مواجهه با ایران به کار بسته است و گمان می‌برد که این راهبرد می‌تواند در خصوص ایران نیز به سان کره‌شمالی کارگر افتد که به یقین راهبردی از پیش شکست خورده است.

اگرچه ترامپ در نهایت توانست با کیم جونگ‌اون در سنگاپور عکسی به یادگار بگیرد اما نباید فراموش کنیم که برای گرفتن چنین عکسی متحدان منطقه‌ای آمریکا و کره شمالی یعنی کره‌جنوبی، چین، و ژاپن برای این دیدار از تمام ظرفیتهای سیاسی خود استفاده کردند این در حالی است که متحدان منطقه‌ای آمریکا یعنی عربستان سعودی، امارات و اسرائیل به شدت مخالف برقراری چنین مذاکراتی می‌باشند و اگر ترامپ گمان می‌کند با همین روش می‌تواند با حسن روحانی در کشوری مانند عمان عکسی به یادگار بگیرد به یقین راه به ترکستان می‌رود. این در حالی است که در ایران نیز با توجه به رفتارهای قلدرمابانه آمریکا و نقض عهد این کشور در خصوص برجام هیچ تمایلی برای مذاکره با این کشور وجود ندارد و حاکمیت ایران به طور یکصدا گفتگو با رئیس‌جمهور ویرانگر و مستبدی چون ترامپ را محکوم کرده و آن را به صلاحِ مُلک و ملت نمی‌دانند.

با ایلنا همراه شوید
خبرگزاری کار ایران «ایلنا»
ILNA